

## مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴: ۵۹۳-۶۱۴

### تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل ساختاری در شکاف بین نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرمانشاه)

منصور حقیقتیان<sup>۱</sup>

سیدعلی هاشمیان‌فر<sup>۲</sup>

داریوش احمدیان<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۲۲

#### چکیده

امروزه تهدیدهای زیست‌محیطی، از مهم‌ترین مشکلات انسان قرن بیست‌ویکم به‌شمار می‌روند؛ به‌طوری‌که افکار عمومی معطوف این مسئله شده‌اند و در سطح جهانی، حساسیت بسیاری در این زمینه به‌وجود آمده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل ساختاری-اجتماعی بر شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه است. با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۴۱۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پژوهش، با رویکرد کمی و به‌روش پیمایشی انجام شد و داده‌های آن، از طریق پرسشنامه گردآوری شدند. مطابق یافته‌ها، علی‌رغم پایین بودن میانگین متغیرهای واسطه‌ای (الزام هنجاری، امکانات و دانش زیست‌محیطی)، میانگین نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان، متوسط روبه‌بالاست. آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد این متغیرها بخشی از واریانس شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی را تبیین می‌کنند. به‌عبارتی، با افزایش سطح متغیرهای فوق، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی کاهش می‌یابد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد متغیرهای مستقل پژوهش ۰/۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در یک نتیجه کلی می‌توان گفت عوامل فوق در واقع، سیاست‌های کاهش این شکاف را تقویت می‌کنند و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه را ترویج می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** امکانات، دانش زیست‌محیطی، کرمانشاه، نگرش و رفتار زیست‌محیطی، هنجار اجتماعی.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسئول)،

haghighat55@dehaghan.ac.ir

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان، hashemianfar@Isfahan.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، d\_ahmadian60@yahoo.com

## مقدمه

بحران محیط زیست، امروزه یکی از دغدغه‌های مهم جهانی به‌شمار می‌رود (ملکی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۷۸) و تهدیدهای زیست‌محیطی، در مرکز مسائل انسان قرن بیست‌ویکم قرار دارند (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). از سوی دیگر، شاخص‌های توسعه پایدار با شاخص‌های سلامت و کیفیت زندگی و نیز شاخص‌های توسعه انسانی ارتباط قوی دارند و حفاظت از محیط زیست و توسعه، از اهداف مهم اجتماعی به‌شمار می‌روند (ملکی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۷۸). بسیاری بر این باورند که بروز مشکلات زیست‌محیطی، به عوامل مختلفی از جمله میزان آگاهی، شرایط، بسترها و هنجارهای جامعه بستگی دارد. به همین دلیل باید دانست افراد درباره محیط زیست چگونه فکر می‌کنند، چه شناختی از آن دارند و تا چه اندازه، طبیعت و محیط زیست دغدغه آن‌هاست (استرن، ۲۰۰۰: ۴۰۶)، اما این پرسش مطرح است که آیا افرادی که حامی انگاره نوین زیست‌محیطی<sup>۱</sup> هستند و نگرش مساعدی به محیط زیست دارند، در عمل نیز رفتارهای حامی محیط زیست را انجام می‌دهند. به بیان دیگر، آیا نگرش‌های مثبت زیست‌محیطی به رفتارهای حامی محیط زیست منجر می‌شود. گاهی نگرش‌های خاص با رفتارهای خاص در ارتباط‌اند و مقیاس‌های نگرش عمومی را می‌توان در پیش‌بینی رفتارهای عمومی به‌کار گرفت (دنلپ و ونلایر، ۱۹۷۸)، اما مطالعات و شواهد تجربی نشان می‌دهند با وجود آنکه نگرش یا دغدغه‌های زیست‌محیطی مناسب ممکن است به رفتارهای حامی محیط زیست ختم شود، رابطه علی- معلولی آن‌ها ضعیف یا اندک است. در واقع، بین این دو عامل شکاف وجود دارد. اغلب پژوهش‌های پیشین که ارتباط نگرش و رفتار زیست‌محیطی را بررسی کرده‌اند، رابطه ضعیفی بین این دو عامل یافته‌اند.<sup>۲</sup> به‌عبارت دیگر، اغلب افرادی که دغدغه زیست‌محیطی بیشتری دارند، لزوماً رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تر ندارند. مطابق منابع نظری، با وجود آنکه نگرش، پیش‌زمینه و تعیین‌کننده قوی رفتار است، ارتباط آن با رفتار ضعیف است. البته دلیل این ارتباط ضعیف روشن نیست و با وجود افزایش نگرش‌های محیط‌زیستی مناسب، رفتارهای مناسب با محیط زیست افزایش نیافته است؛ بنابراین، برنامه‌ریزی برای حرکت به‌سوی توسعه پایدار باید به‌گونه‌ای باشد که در الگوهای رفتاری افراد جامعه تغییر ایجاد کند؛

1. NEP

۲. در پژوهش حاضر، رابطه نگرش و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۹ است.

یعنی افراد باید رفتارشان را در مواجهه با محیط زیست به گونه‌ای ارزیابی کنند که به منش ثابت و اصول هم‌زیستی با طبیعت دست یابند (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲).

کرمانشاه پس از تبریز، دومین شهر پرجمعیت در غرب کشور است که مانند دیگر شهرهای درحال توسعه ایران با مسائل زیست‌محیطی زیادی روبه‌روست. مسائل زیر به‌عنوان معضلات زیست‌محیطی این شهر شناخته شده‌اند: آلودگی هوا، گردوخاک در سال‌های اخیر، مشکلات مربوط به پسماندها و فاضلاب‌های شهری، شکار بی‌رویه و غیرمجاز حیوانات بومی منطقه، آتش‌سوزی‌های مکرر در جنگل‌ها و مراتع، تخریب و غارت گیاهان خودرو، تولید روزانه ۶۰۰ تن زباله (هر کرمانشاهی ۶۵۰ تا ۷۰۰ گرم در روز)، کم‌آبی، مصرف بی‌رویه آب، برق و گاز، گسترش بی‌رویه و بی‌قواره شهر و رشد سریع جمعیت در سال‌های اخیر، وجود صنایع و کارگاه‌های مزاحم در بافت مسکونی شهر و افزایش تردد خودروهای شخصی و فرسوده و پیامدهای زیست‌محیطی آن، تخریب پهنه‌ها و عرصه‌های طبیعی (جنگل‌های بلوط)، ورود فاضلاب و پسماندهای صنعتی و خانگی به رودخانه‌ها (قره‌سو). با وجود پتانسیل‌ها و نگرش‌های مثبت بوم‌گرا در ساکنان این شهر - که در تشکیل سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، مشارکت‌های مردمی و تشکیل شبکه‌های استانی، کارگاه‌های آموزشی و ... جلوه‌گر شده است - نمودهای رفتاری چندان مناسب نیست و رفتارهایی از قبیل موارد فوق، بیانگر وجود فاصله و شکاف بین حوزه نظر و عمل است. هدف این پژوهش، شناسایی پاره‌ای از عوامل ساختاری مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی، به‌منظور بهبود وضعیت محیط زیست در کرمانشاه است. انجام‌دادن این‌گونه پژوهش‌ها سبب افزایش توجه به محیط زیست، کاهش فاصله بین نگرش و رفتار شهروندان و درنهایت، انباشت دانش علمی حوزه تخصصی و مهم محیط زیست و فراهم‌کردن و تقویت منابع علمی این حوزه می‌شود. حجم انبوه مشکلات و مسائل اشاره‌شده، ضرورت پژوهش در این زمینه را نشان می‌دهد.

## اهداف پژوهش

### الف) هدف کلی:

شناسایی عوامل ساختاری مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی

### ب) اهداف جزئی:

- شناسایی نقش هنجارهای اجتماعی در شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی

- شناسایی نقش دانش زیست‌محیطی مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی  
- شناسایی نقش امکانات برای کنش بوم‌گرای مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتار  
زیست‌محیطی

### پیشینه تحقیق

نگرش‌های زیست‌محیطی افراد، در مطالعات بسیاری سنجیده شده‌اند. علی‌رغم اینکه بخش عظیمی از این مطالعات، وجود نگرش مساعد به محیط زیست را در میان مردم تأیید کرده‌اند، گاهی تضادی میان رفتار مردم و نگرش‌هایشان وجود دارد. بدین معنا که رفتار زیست‌محیطی فرد با نگرش او به محیط زیست سازگار نیست. در ایران، فاضلی و جعفرصالحی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی گردشگران، تأثیر متغیرهای نگرشی بر رفتار زیست‌محیطی دو نمونه گردشگر را به‌شیوه پیمایش بررسی کردند. تحلیل همبستگی نشان داد رفتار زیست‌محیطی، با ارزش‌ها، منافع زیست‌محیطی، تصور فرهنگی و انگیزه فرهنگی رابطه معنادار دارد. درحالی‌که میان دانش و رفتار زیست‌محیطی، رابطه معناداری مشاهده نشد. اولی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۱) سه دلیل عمده را برای تبیین شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی مطرح کردند: اول اینکه ممکن است تکنیک‌های تحلیل آماری، رابطه بین متغیرها را کمتر از حد واقعی برآورد کرده باشند. دوم اینکه احتمال دارد سنجه‌ها دقت کافی نداشته باشند یا بین سطوح متفاوت انجام گرفته باشند. سوم اینکه ممکن است زمینه اجتماعی (برای مثال، شبکه اجتماعی که فرد به آن تعلق دارد) نادیده گرفته شده باشد. نورلاند و گارویل (۲۰۰۲) علت شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی را در تعارض بین منافع کوتاه‌مدت شخصی و منافع بلندمدت جمعی می‌دانند. به‌زعم نورلاند و گارویل، استفاده از وسیله شخصی و وسایل غیرباز یافتی، منافی را برای افراد به‌همراه دارد. مالکان وسایل نقلیه شخصی، اهمیت استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای حفظ محیط زیست را درک می‌کنند، اما پیامدهای فردی را مهم‌تر از پیامدهای زیست‌محیطی منفی می‌دانند. اورت<sup>۲</sup> و گالووی<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که زمینه اجتماعی یا محیط اجتماعی و یادگیری اجتماعی، فرد را به جهت خاصی سوق می‌دهد. به‌طور خاص می‌توان گفت که دانش ابتدایی کسب‌شده در یک شبکه اجتماعی، از طریق

---

1. Olli  
2. Ewert  
3. Galloway

رسانه‌ها یا آموزش، نگرش‌هایی را در فرد ایجاد می‌کند که ممکن است عقاید یا رفتارهای واقعی او را نشان ندهد. در عوض، نشانگر مجموعه‌ای از پاسخ‌های مطلوب اجتماعی باشد که با کنش‌های فردی رابطه معناداری ندارد و موجب بروز شکاف میان نگرش‌ها و رفتار درباره محیط زیست شود (کریمی، ۱۳۹۲: ۲۹). این پژوهش‌ها نشان می‌دهند شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی را می‌توان مانعی برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی روبه‌اتمام در نظر گرفت.

### چارچوب نظری

نظریه‌ها و مدل‌های متفاوتی، برای تبیین شکاف بین ارزش و عمل ارائه شده‌اند. بعضی از آن‌ها بر نبود ارتباط تمرکز دارند و گروهی موانع بین تأثیرها و پیامدهای خواسته را توضیح می‌دهند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). قدیمی‌ترین و ساده‌ترین مدل رفتار زیست‌محیطی، مبتنی بر یک توالی خطی از دانش محیط‌زیستی است که به آگاهی و نگرانی محیط‌زیستی و درنهایت، به رفتارهای محیط‌زیستی منجر می‌شود. این مدل عقلانی، بر این فرض استوار است که تحصیلات افراد در زمینه مسائل محیط‌زیستی، به‌طور خودکار به رفتارهای محیط‌زیستی منجر می‌شود.

این مدل اشتباه، از اوایل دهه ۱۹۷۰ اثبات شد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در بیشتر موارد، افزایش دانش و آگاهی به رفتارهای محیط‌زیستی منجر نمی‌شود. امروزه در بیشتر سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی<sup>۱</sup> هنوز اعتقاد بر آن است که دانش بیشتر، به رفتارهای روشن‌تر منتج می‌شود. اوونز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) اشاره می‌کند که حتی در کشورهایی که از این فرض استفاده کرده‌اند (برای مثال، انگلیس که کمپین‌هایی<sup>۳</sup> را در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۸ تشکیل داده است) این اعتماد به اطلاعات برای ایجاد تغییر شگفت‌انگیز است؛ زیرا تغییر رفتار بسیار دشوار است؛ چنانکه چند پژوهش نشان می‌دهند که بین نگرش و رفتار اختلاف وجود دارد. با این حال، بسیاری از پژوهش‌ها این فاصله را توضیح می‌دهند (کلوموس و آیژمن، ۲۰۰۲: ۲۴۱).

همواره در مطالعات تغییر رفتار، خلأ بزرگی وجود داشته و آن، نداشتن چارچوب نظری خاص است که از آن انتقادهای بسیاری شده است. این موضوع حداقل به دلیل از بین بردن توانایی مقایسه و پیشبرد بحث، مشکل‌آفرین است. در واقع، این اطلاعات به‌ندرت اهمیت

1. NGOS  
2. Owens

۳. کمپین‌های Save it و Are you doing your bit?

شکاف بین ارزش و عمل را تشخیص می‌دهند. این تشخیص، هم برای بررسی مجدد خط‌مشی‌ها و هم برای جزئیات مباحث دانشگاهی مثمر ثمر است. بی‌توجهی به تنش میان نیت و عمل و توجه صرف به آنچه بر رفتار تأثیر می‌گذارد، در بسیاری از موارد گمراه‌کننده است؛ به‌ویژه اینکه پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که شکاف بین کنش و نیت بسیار پیچیده است (آیزن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). گاهی رفتارهای خاص، شکاف بسیار کوچکی بین نیت و عمل را نشان می‌دهند؛ درحالی‌که رفتارهای دیگر ممکن است قصد قطعی و نه یک التزام رفتاری ضعیف را از جانب پاسخگویان ایجاد کنند. در مجموع، هر جا که رابطه نیرومندی بین قصد و عمل وجود دارد، ممکن است عوامل حیاتی و خاصی وجود داشته باشند که نیت را به رفتارها منتقل کنند. ممکن است متغیرهای دیگری هم باشند که مقاصد مثبتی را بدون تأثیر مستقیم بر رفتار ایجاد کنند. براین اساس، با مرور پیشینه تجربی و نظری موضوع و به‌لحاظ گستردگی عوامل، این نوشتار به بررسی نقش عوامل ساختاری- اجتماعی به‌عنوان عوامل احتمالی مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتار می‌پردازد؛ بنابراین، در این پژوهش منظور از عوامل ساختاری، ترکیب سه مؤلفه اساسی دانش، فرصت (امکانات) و هنجارهای اجتماعی است که در جهت‌دهی رفتارهای زیست‌محیطی تأثیرگذارند.

اولین مؤلفه، امکانات برای کنش محیط‌گرایانه است. به‌نظر می‌رسد رفتارهای محیط‌گرایانه اغلب زمانی رخ می‌دهند که زیرساخت‌های لازم برای کنش مسئولانه موجود باشد. ضعف چنین خدماتی، سبب کاهش علاقه‌مندی افراد به رفتارهای محیط‌زیستی می‌شود. این موانع ساختاری (برای مثال، نبود امکانات مناسب برای بازیافت در مبدأ) ممکن است بر کنش افراد غلبه کند. امکانات و فرصت‌ها، خود محرک‌هایی قوی برای کنش زیست‌محیطی محسوب می‌شوند. اگر ارگان‌های دولتی، شرایط و امکانات زیست‌محیطی را مهیا کنند، رفتار افراد متناسب با امکانات فراهم‌شده، به‌صورت خودکار تغییر می‌کند. استیج<sup>۲</sup> و ویلیک<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) این عامل را از تکنیک‌های تقویت رفتارهای مسئولانه برشمرده‌اند؛ برای مثال، هوای پاک، حمل‌ونقل عمومی را می‌طلبد و حمل‌ونقل عمومی کارآمد و با امکانات مناسب مردم را جذب می‌کند یا وجود ظروف زباله برای زباله‌های خشک مانند پلاستیک و کاغذ یا شیشه، محرک مناسبی به‌شمار می‌رود

---

1. Ajzen  
2. Steg  
3. Vlek

(استیج و ویلیک، ۲۰۰۹: ۳۰۴-۳۱۷). همچنین در مدل رفتار محیط‌زیستی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) به عامل فرصت برای بهبود رفتار زیست‌محیطی اشاره شده است. آن‌ها فرصت را در قالب امکانات و مشوق قوی برای کنش‌های مسئولانه تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر، عوامل بیرونی، زیربنایی و اقتصادی، افراد را قادر به رفتار محیط‌زیستی می‌کنند یا مانع از این رفتارها می‌شوند (کولوموس و آگیمان، ۲۰۰۲: ۳۰۵). همچنین اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) در مدل چندگانه خود توضیح می‌دهند زمانی که رفتار مصرف‌کننده همراه با تأثیر بر محیط زیست است، باید فرصت، انگیزه و توانایی، با هم در یک چارچوب مرجع قرار گیرند. فرد به فرصت‌هایی که در آن‌ها بتواند به شیوه حامی محیط زیست عمل کند، نیاز دارد. اولاندر و توجرسون فرصت را «پیش‌شرط عینی برای رفتار» می‌بینند. با این حال، آن‌ها ادعا دارند که افراد ممکن است شرایط مشابه را به طرق مختلف درک کنند و امکانات را متفاوت ببینند (به نقل از پیتیکاینین، ۲۰۰۷: ۱۵). از جمله موانعی که بلیک (۱۹۹۹) برای رفتار زیست‌محیطی می‌بیند، محدودیت‌های اجتماعی- نهادی است. با وجود اینکه نگرش و قصد افراد برای رفتار محیط‌گرایانه قوی است، محدودیت‌هایی وجود دارد که از آن جلوگیری می‌کند. او این محدودیت‌ها را کمبود زمان، کمبود منابع مالی و کمبود اطلاعات می‌داند. از آنجاکه مدل وی عوامل درونی و بیرونی را با هم ترکیب کرده و هر دو را در بعضی جزئیات توضیح داده است، مؤثر واقع می‌شود (کولوموس و آگیمان، ۲۰۰۲: ۳۰۶). شواهد بیانگر آن است که عوامل متفاوت تعیین‌کننده رفتار خاص، اهمیت دارند. رفتارهای هزینه‌بر مانند عایق‌بندی مجدد خانه‌ها، احتمالاً به شدت از عوامل مالی و اعتبارات تأثیر می‌پذیرند. شاید رفتارهای دشوار مانند کاهش استفاده از اتومبیل در حومه‌های شهری نیز کاملاً متأثر از حمایت از سیاست عمومی، مثلاً شیوه‌های حمل‌ونقل جایگزین باشند. رفتارهایی که مستلزم مهارت‌های خاص‌اند، احتمالاً بسته به آن‌اند که چه چیزی موجب پردازش این توانمندی‌ها و قابلیت‌ها می‌شود. این‌ها نقطه شروع درک رفتارهای زیست‌محیطی معنادارند (استرن، ۲۰۰۰: ۴۱۸).

دومین مؤلفه، دانش زیست‌محیطی است. افرادی که دانش زیست‌محیطی دارند، می‌توانند با منشی آگاهانه، رفتارهای محیط‌زیستی داشته باشند. مدل خطی (US) اولیه- که قدیمی و ساده‌ترین مدل رفتار زیست‌محیط‌گرایانه مبتنی بر توالی خطی از دانش محیط‌زیستی است- به آگاهی محیط‌زیستی و نگرانی محیط‌زیستی و درنهایت، به رفتارهای محیط‌زیستی منجر می‌شود. در این مدل عقلانی، فرض بر این است که تحصیلات افراد در زمینه مسائل محیط‌زیستی به‌طور

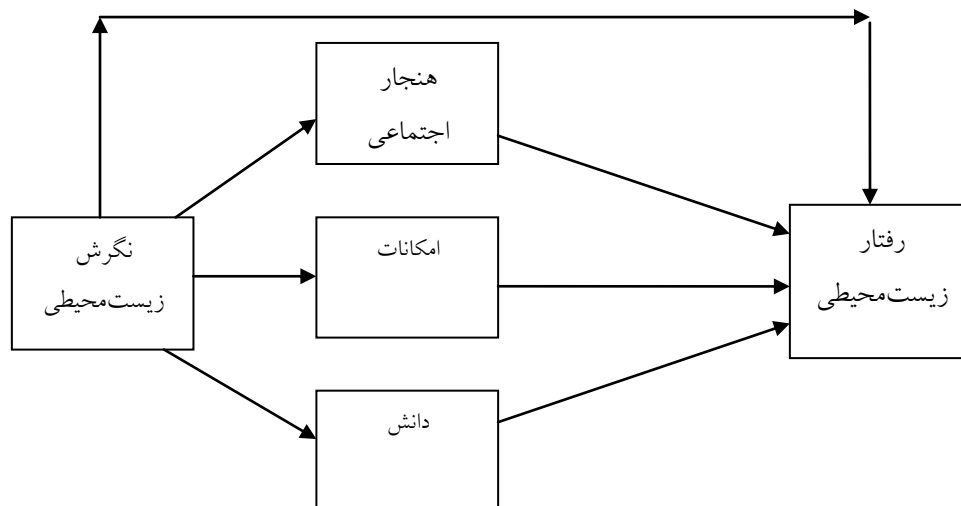
خودکار به رفتارهای محیط‌زیستی منجر می‌شود. در سال ۱۹۸۶، هاینس، هانگرفورد و تومرا مدل رفتار محیط‌زیستی مسئولانه خود را ارائه کردند که براساس تئوری رفتار طراحی شده آیزن و فیشباین شکل گرفته بود. آن‌ها دانش زیست‌محیطی را در کنار متغیرهایی مانند نگرش‌ها، منبع کنترل و التزام زبانی، در ارتباط با رفتارهای مسئولانه محیط‌گرایانه کشف کردند. همچنین در مدل رفتار زیست‌محیطی مسئولانه فیتکائو و کسل (۱۹۸۱)، دانش بر رفتار تأثیر ندارد، اما به‌عنوان تغییردهنده نگرش‌ها و ارزش‌ها عمل می‌کند (به نقل از کولموس و آیگمن، ۲۰۰۲: ۲۴۶). گیفورد (۲۰۱۳) معتقد است اگر اطلاعات غلطی وجود داشته باشد یا فرد اطلاعاتی نداشته باشد، انجام انتخاب‌های آگاهانه در زمینه رفتارهای زیست‌محیطی مشکل خواهد بود. اگرچه دانش زیست‌محیطی باید به‌عنوان یک ضرورت نگریسته شود، شرط کافی برای تصمیم‌گیری نیست. آموزش مهم است و افرادی که آموزش بیشتری دیده باشند، دغدغه بیشتری درباره محیط زیست دارند. همچنین در مدل رفتار زیست‌محیطی مسئولانه هانگرفورد و وولف (۱۹۹۰) دانش زیست‌محیطی به‌عنوان متغیر پیش‌نیاز آورده شده است. این متغیرها تصمیم‌گیری را شدت می‌بخشند. قوی‌ترین آن‌ها حساسیت زیست‌محیطی است (ملکی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۸۹) که به‌عنوان فهم هم‌دلانه از محیط‌زیست تعریف می‌شود (بابایی، ۱۳۹۳: ۶۲).

سومین مؤلفه، **هنجارهای اجتماعی** است. هنجارها، اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. این قواعد، دربرگیرنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند. شوارتز<sup>۱</sup> فرایندی را شرح می‌دهد که در آن، ترکیبی از دغدغه‌های اجتماعی و شخصی بر رفتار نوع‌دوستانه تأثیر می‌گذارد. این نظریه بر سه گزاره مبتنی است: نخست آنکه شدت تعهدات اخلاقی بر رفتار نوع‌دوستانه تأثیرگذار است. دوم آنکه هنگامی که ساختارشناختی افراد از هنجارها و ارزش‌ها در بعضی از موقعیت‌ها فعال می‌شود، احساس تعهد اخلاقی ظهور می‌یابد. سوم آنکه اگر تعهد مورد نظر، احساس مناسبی را ایجاد نکند، این احساس تعهد اخلاقی ممکن است خنثی باشد (پیتیکاینن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴). این روند، با هنجارهای اجتماعی رفتار اخلاقی آغاز می‌شود. هنجارها نشان‌دهنده ارزش‌ها و نگرش دیگران‌اند و ممکن است درونی شوند. افراد در شبکه ارتباطی‌شان، از اشخاص متعددی تأثیر می‌پذیرند و افراد پیرامون، اعم از پدر، مادر، رهبران مذهبی و رهبران سیاسی، همگی در دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد تأثیرگذارند.

1. Schwartz  
2. Pietikäinen



ممکن است گروهی از شخص بخواهند کاری را انجام دهد و گروهی دیگر او را از انجام آن منع کنند. در اینجا شخص مجبور است فشارهای متضاد از سوی افراد مختلف را متعادل سازد. در نهایت، احتمالاً نوع عملکرد فرد بستگی بسیار به خواسته‌های افرادی دارد که نفوذ زیادی بر او دارند. براساس نظریه فیشباین و آیزن (۱۹۷۵)، هنجارهای اجتماعی، بازتابی از فشار اجتماعی هستند که فرد آن‌ها را ادراک می‌کند و یک رفتار مشخص را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، هنجارهای اجتماعی، بیانگر تأثیر رفتار اطرافیان مهم یا جامعه بر فرد، برای سوق دادن وی به سوی رفتاری خاص یا بازداشتن از عملی خاص است. هنجارهای اجتماعی یا باورهای دیگران، هنجارهای ذهنی فرد را شکل می‌دهند؛ یعنی مشخص می‌کنند که شخص باید آن رفتار را داشته باشد یا نه؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با تثبیت هنجارهای اجتماعی، بهبود امکانات یا فرصت‌های حمایت از کنش‌های زیست‌محیطی، شکوفایی دانش زیست‌محیطی و نیز ترویج نگرش‌های زیست‌محیطی می‌توان موانع توسعه پایدار را از میان برداشت. این امر نشان می‌دهد عوامل ساختاری- اجتماعی را می‌توان پیش‌بینی‌کننده سیاست‌های ترویج رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه دانست. در پژوهش حاضر، نقش سه مؤلفه اساسی یعنی دانش زیست‌محیطی (هانگرفورد و وولف، ۱۹۹۰)، امکانات و فرصت (فیتکائو و کسل، ۱۹۸۱) و هنجارهای اجتماعی (فیشباین و آیزن، ۱۹۷۵)، در تعیین شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی بررسی می‌شود. در نتیجه، مدل نظری تحقیق به صورت زیر قابل ترسیم است.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

۱. بین امکانات مساعد برای کنش زیست‌محیطی و میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی، رابطه وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه سطح امکانات مساعد برای کنش زیست‌محیطی در یک منطقه بالا باشد، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی کمتر است و برعکس.
۲. بین دانش زیست‌محیطی شهروندان و شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی، رابطه وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه سطح دانش زیست‌محیطی شهروندان در یک منطقه بالا باشد، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی آن‌ها کمتر است و برعکس.
۳. بین میزان الزام شهروندان به رعایت هنجارهای اجتماعی و شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه میزان الزام به رعایت هنجارهای اجتماعی در یک منطقه بالا باشد، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی آن‌ها کمتر است و برعکس.

### روش پژوهش

این پژوهش براساس نوع داده‌ها کمی و از لحاظ نوع برخورد با مسئله و ورود به آن، میدانی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است که اعتبار آن به‌شکل صوری انجام شده و برای سنجش پایایی آن، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار این ضریب برای متغیر نگرش زیست‌محیطی ۰/۸۴۵، رفتارهای زیست‌محیطی ۰/۸۸۰، هنجارهای اجتماعی ۰/۸۰۲، آگاهی زیست‌محیطی ۰/۷۱۱، امکانات ۰/۷۴۵ و آلفای کل پرسشنامه ۰/۸۴۱ است. ضریب بالای آلفای کرونباخ، بیانگر انسجام درونی گویه‌ها و مؤید قابلیت اعتماد ابزار سنجش است. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه است که براساس آخرین آمار، ۶۸۵،۲۲۸ نفرند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). براساس فرمول منطقی کوکران، ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه این پژوهش انتخاب شدند و با پیش‌بینی ریزش در طول کار، ۴۲۰ نفر در نظر گرفته شدند. در پایان، پس از حذف چند پرسشنامه کاملاً جهت‌دار، داده‌های ۴۱۰ پرسشنامه تحلیل شد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت و برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های پارامتریک در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. پیش از ارائه یافته‌ها و نتایج، هریک از مفاهیم مهم و اصلی، به شرح زیر تعریف می‌شوند.

**الف) نگرش زیست‌محیطی:** از نظر مفهومی، مجموعه احساسات خوشایند یا ناخوشایند درمورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسائل مربوط به آن است (بلوم، ۲۰۰۷: ۲). به‌لحاظ عملیاتی، در پژوهش حاضر نگرش زیست‌محیطی، نمره‌ای است که پاسخگو در پاسخ به ۱۵ گویه مقیاس پارادایم نوین زیست‌محیطی دریافت می‌کند.

**ب) رفتارهای زیست‌محیطی:** مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه درمقابل محیط زیست است که طیفی وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار با محیط زیست را شامل می‌شود (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۸). برای سنجش آن، از پرسشنامه فرهمند و همکاران (۱۳۹۲) استفاده شد.

**ج) دانش زیست‌محیطی:** به بیان آرکری و جانسون، دانش زیست‌محیطی، اطلاعات عملی است که افراد درباره محیط زیست، مسائل بوم‌شناختی زمین و تأثیر کنش‌های انسانی بر محیط زیست دارند (آرکری و جانسون، ۱۹۹۰: ۱). برای عملیاتی‌کردن آن، از گویه‌هایی شامل اهمیت و فواید وجود گونه‌های گیاهی و جانوری، خطرات دفع نادرست زباله، تنوع زیستی، فواید درختان در کاهش آلودگی صوتی و... استفاده شد.

**د) هنجارهای اجتماعی:** هنجارهای اجتماعی شامل عناصر شناختی بسیار قوی هستند که بر پایه انتظارات قضاوت‌شده اشخاص مهم (از نظر خود) شکل گرفته‌اند (زند حسامی و پروین‌چی، ۱۳۹۳: ۲۵). درواقع، مبحث هنجارهای اجتماعی، تأثیر دیگران بر رفتار را اندازه‌گیری می‌کند. اگر انتظار اجتماعی این باشد که افراد رفتار مورد بحث را انجام دهند، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد آن رفتار را داشته باشد (محمدیان و ختانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در این پژوهش، برای سنجش این مؤلفه، از گویه‌هایی شامل نظر دیگران، اطرافیان و اعضای خانواده و به‌طورکلی افراد مهم درمورد کنش‌های زیست‌محیطی (مسئولانه یا غیرمسئولانه و...) استفاده شد. **ه) امکانات برای کنش محیط‌گرایانه:** منظور از امکانات، وجود تسهیلات لازم برای بروز رفتارهای زیست‌محیطی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷). برای سنجش آن از گویه‌هایی شامل کافی و مناسب بودن سطل زباله در خیابان‌ها، سطح شهر و پارک‌ها، وجود امکانات برای کنش بوم‌گرایانه در اماکن عمومی، تفریحی و خرید، وجود مواد شوینده استاندارد و... استفاده شد.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول به توصیف متغیرهای اصلی تحقیق و بخش دوم به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

#### الف) توصیف متغیرها

##### نگرش زیست‌محیطی

نگرش زیست‌محیطی، یکی از مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و تعیین‌کننده‌ترین رفتارهای زیست‌محیطی است. بار (۲۰۰۳) معتقد است پارادایم نوین زیست‌محیطی دانلاپ و ون‌لایر (۱۹۷۸) نگرشی است که ارزش‌های زیست‌محور را در برابر ارزش‌های تکنومحور قرار می‌دهد. جدول ۱ توزیع فراوانی نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان را براساس ارزش‌های فوق نشان می‌دهد.

جدول ۱. وضعیت نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان و ابعاد آن

ابعاد	همیشه	اغلب	گاهی	به ندرت	اصلاً	میانگین	انحراف معیار
بحران زیست‌محیطی	۷/۳	۸۶/۱	۴/۶	۲	-	۳/۶۳	۰/۴۶۸
محدودیت رشد	۳۳/۷	۵۹	۶/۳	۱	-	۴/۱۰۵	۰/۷۳۶
تعادل طبیعت	۲۶/۱	۴۳/۲	۲۸	۲/۷	-	۳/۷۹	۰/۹۷۵
انسان‌محوری	۲۶/۱	۳۰/۵	۴۰/۲	۳/۲	-	۳/۵۳	۱/۰۳
طبیعت‌محوری	۶۹	۰/۲	۲۶/۱	۴/۴	۰/۲	۴/۳۳	۱/۰۲
نگرش زیست‌محیطی	۵۴/۱	۱۶/۱	۲۹	۰/۸	-	۳/۸۶	۰/۷۶

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد ۷۰/۲ درصد از پاسخگویان دارای نگرش‌های زیست‌محیطی زیست‌محورند و تنها ۲۸/۸ درصد از آنان نگرش زیست‌محیطی تکنومحور دارند. میانگین نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان، متوسط روبه‌بالا یعنی ۳/۸۶ از ۵ است. حداقل میانگین نگرش زیست‌محیطی، مربوط به بعد انسان‌محوری و بیشترین میانگین نگرش زیست‌محیطی، مربوط به بعد طبیعت‌محوری است.

**رفتار زیست‌محیطی:** در پژوهش‌های جامعه‌شناختی محیط زیست، رفتارها همواره در کنار

نگرش‌ها، به‌عنوان متغیر وابسته یا متغیر مستقل مورد توجه هستند. استرن (۲۰۰۰: ۴۱۱) رفتار

زیست‌محیطی را از دیدگاه کنشگر، رفتاری تعریف می‌کند که با انگیزه و نیت تغییر محیط زیست انجام می‌شود. جدول ۲ به توصیف فراوانی رفتارهای زیست‌محیطی تحقیق می‌پردازد.

جدول ۲. وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها براساس رفتار زیست‌محیطی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	میانگین	انحراف معیار
مصرف بهینه برق	۲۷/۶	۲۶/۱	۲۵/۴	۱۷/۳	۳/۷	۳/۴	۱/۲۲
مصرف بهینه گاز	۶/۳	۴۲/۷	۴۱/۲	۹/۸	۰/۰	۳/۲	۰/۷۴
مصرف بهینه آب	۶/۱	۳۳/۹	۳۲/۰	۲۷/۳	۰/۷	۲/۸	۰/۹۰
استفاده از تولیدات استاندارد	۱۷/۳	۳۲/۹	۳۰/۷	۱۹	۰/۰	۳/۱	۰/۹۳
حفاظت از محیط طبیعی	۳۰	۱۵/۶	۲۹/۸	۲۳/۷	۱	۳/۱	۱/۰۵
استفاده از وسایل بازیافتی	۲۳/۷	۲۲/۷	۳۳/۹	۱۹/۸	۰/۰	۳/۰۷	۰/۹۳
رفتار زیست‌محیطی	۲۲/۹	۲۹/۸	۳۳/۲	۱۴/۱	۰/۰	۳/۱	۰/۸۸

مطابق جدول فوق، ۵۲/۷ درصد از پاسخگویان رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه دارند و تنها ۱۴/۱ درصد از آن‌ها کمتر از محیط زیست حفاظت می‌کنند. میانگین رفتارهای زیست‌محیطی پاسخگویان، متوسط روبه‌بالا یعنی (۳/۱۴ از ۵) است. علی‌رغم اینکه میانگین این متغیر مانند نگرش زیست‌محیطی متوسط روبه‌بالاست، اعداد حکایت از وجود شکاف و فاصله بین آن‌ها دارد. همچنین حداقل میانگین رفتارهای زیست‌محیطی به مصرف بهینه آب و بیشترین میانگین رفتار زیست‌محیطی به بحث مصرف (برق) برمی‌گردد. این نکته حائز اهمیت است که با توجه به اینکه کشور ما ایران سرزمین کم‌آب است، لازم است در این حوزه نیز مانند مصرف انرژی تغییراتی در سیاستگذاری‌ها انجام شود.

### متغیرهای واسطه‌ای

در این پژوهش، متغیرهای واسطه‌ای شامل هنجار اجتماعی، امکانات برای کنش زیست‌محیطی و دانش زیست‌محیطی هستند که به‌عنوان عوامل واسطه‌ای، بر تسریع یا تعدیل نگرش به رفتار مؤثرند. جدول زیر چگونگی پراکندگی این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. توصیف متغیرهای هنجار، امکانات و دانش زیست‌محیطی پاسخگویان

متغیرها	هنجار	امکانات	دانش
فراوانی	۴۲	۱۵	۱۴
بسیار زیاد	درصد ۱۰/۲	۳/۷	۳/۴
فراوانی تجمعی	۱۰/۲	۳/۷	۳/۴
زیاد	۸۸	۸۰	۹۵
درصد	۲۱/۵	۱۹/۵	۲۳/۲
فراوانی تجمعی	۳۱/۷	۲۳/۲	۲۶/۶
فراوانی	۱۲۸	۱۵۲	۱۵۲
متوسط	درصد ۳۱/۲	۳۷/۱	۳۷/۱
فراوانی تجمعی	۶۲/۹	۶۰/۳	۶۳/۷
فراوانی	۸۷	۱۲۶	۱۲۴
کم	درصد ۲۱/۲	۳۰/۷	۳۰/۲
فراوانی تجمعی	۸۴/۱	۹۱	۹۳/۹
فراوانی	۶۵	۳۷	۲۵
بسیار کم	درصد ۱۵/۹	۰/۹	۶/۱
فراوانی تجمعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۲/۹۱	۲/۸۷	۲/۹۳

مطابق جدول فوق، بیشترین توزیع الزام هنجاری پاسخگویان مربوط به سطح متوسط (۳۱/۲) و کمترین میزان مربوط به سطح بسیار زیاد (۱۰/۲) است. همچنین میانگین این متغیر ۲/۹۱ از ۵، یعنی متوسط رو به پایین است. درمورد متغیر امکانات (فرصت)، بیشترین توزیع مربوط به سطح متوسط (۳۷/۱) و کمترین توزیع مربوط به سطح بسیار زیاد (۳/۷) است. درصد فراوانی تجمعی بیانگر آن است که بیش از سه‌چهارم پاسخگویان، میزان فرصت‌های مساعد برای کنش محیط‌گرایانه را در سطح متوسط و پایین می‌دانند. میانگین این متغیر از نظر پاسخگویان ۲/۸۷ از ۵، یعنی اندک و محدود است. درمورد متغیر دانش زیست‌محیطی، بیشترین توزیع آن مربوط به سطح متوسط (۳۷/۲) و کمترین توزیع مربوط به سطح بسیار زیاد (۳/۴) است. درصد فراوانی تجمعی بیانگر آن است که میزان دانش زیست‌محیطی پاسخگویان متوسط روبه‌پایین و میانگین آن ۲/۹۳ از ۵ است.

### تحلیل چندمتغیره

مطابق پیش فرض‌های آماری، متغیرها مقیاس فاصله‌ای دارند. نتایج آزمون نرمالیتی متغیر وابسته (کولموگروف-اسمیرنوف) نیز نشان می‌دهد که سطح معناداری برای این متغیر ۰/۶۲۰ است. از آنجاکه این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، توزیع مشاهده‌شده با توزیع مورد انتظار یکسان و توزیع تابع مورد نظر به توزیع نرمال نزدیک‌تر است. در نتیجه، رابطه بین متغیرها خطی است؛ بنابراین، آزمون مناسب برای سنجش رابطه بین این متغیرها، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی تفکیکی است که در نتیجه آن، روابط میان متغیرهای تحقیق توصیف، کشف و تبیین می‌شود. جداول ۴، ۵ و ۶ ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی تفکیکی و سطح معناداری آن‌ها را نشان می‌دهند.

### آزمون فرضیه اول

- بین میزان الزام هنجارهای اجتماعی و شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. بدین صورت که هرچه الزام هنجارهای اجتماعی بر شهروندان در یک منطقه بالا باشد، شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی آن‌ها کمتر است و برعکس.

جدول ۴. ضریب همبستگی تفکیکی نگرش و رفتار زیست‌محیطی با کنترل هنجارهای اجتماعی

متغیر کنترلی	رفتار
نگرش	همبستگی ۰/۰۹
	معناداری ۰/۰۴
هنجار نگرش	همبستگی ۰/۰۲
	معناداری ۰/۶۶

مطابق یافته‌های جدول ۴، ضریب همبستگی متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی، ۰/۰۹ با معناداری ۰/۰۴۶ است. با کنترل اثر متغیر هنجارهای اجتماعی، میزان ضریب همبستگی خالص بین متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی، ۰/۰۲ با معناداری ۰/۶۶ است که از لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارتی  $r_{y_{x1.x2}} = 0/02$ ؛ یعنی با کنترل تأثیر متغیر هنجارهای اجتماعی، شکاف و فاصله بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی بیشتر می‌شود؛ بنابراین، متغیر مذکور بر این فاصله اثرگذار است و فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. به عبارتی می‌توان با تقویت فشار

هنجارهای اجتماعی در جهت حفظ محیط زیست، برای منجر شدن نگرش‌های مثبت به رفتارهای مسئولانه گام برداشت.

### آزمون فرضیه دوم

- بین امکانات مساعد برای کنش زیست‌محیطی و میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه سطح امکانات مساعد برای کنش زیست‌محیطی در یک منطقه بالا باشد، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی آن‌ها کمتر است و برعکس.

جدول ۵. ضریب همبستگی تفکیکی نگرش و رفتار زیست‌محیطی با کنترل امکانات و فرصت‌ها

رفتار	متغیرهای کنترلی	
۰/۰۹	همبستگی	نگرش
۰/۰۴	معناداری	
۰/۰۳	همبستگی	امکانات نگرش
۰/۴۷	معناداری	

مطابق یافته‌های جدول ۵، ضریب همبستگی متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۹ با معناداری ۰/۰۴۶ است. با کنترل اثر متغیر امکانات، میزان ضریب همبستگی خالص بین متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی، ۰/۰۳ با معناداری ۰/۴۷ است که از لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارتی  $r_{yx1.x2} = 0/03$  یعنی با کنترل تأثیر متغیر امکانات و فرصت‌ها، شکاف و فاصله بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی بیشتر می‌شود. بدین ترتیب، متغیر مذکور بر این فاصله اثرگذار است و فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت هرچه شرایط، بستر و ساختارهای اجتماعی برای انجام کنش‌های مسئولانه در یک جامعه فراهم باشد، نگرش‌های مثبت زیست‌محیطی شهروندان به رفتارهای محیط‌گرایانه منجر می‌شود و شکاف بین این دو کاهش می‌یابد.



### آزمون فرضیه سوم

- بین دانش زیست‌محیطی شهروندان و میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. بدین‌صورت که هرچه سطح دانش زیست‌محیطی شهروندان در یک منطقه بالا باشد، میزان شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی آنها کمتر است و برعکس.

جدول ۶: ضریب همبستگی تفکیکی نگرش و رفتار زیست‌محیطی با کنترل دانش زیست‌محیطی

متغیرهای کنترلی	همبستگی	رفتار
نگرش	همبستگی	۰/۰۹
	معناداری	۰/۰۴
دانش نگرش	همبستگی	۰/۰۸
	معناداری	۰/۰۸

مطابق یافته‌های جدول ۶، ضریب همبستگی متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۹ با معناداری ۰/۰۴۶ است. با کنترل اثر متغیر دانش زیست‌محیطی، میزان ضریب همبستگی خالص بین متغیر نگرش و رفتار زیست‌محیطی ۰/۰۸ با معناداری ۰/۰۸ است که از لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارتی  $r_{yx1.x2} = 0/08$  یعنی با کنترل تأثیر متغیر دانش زیست‌محیطی شکاف و فاصله بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی بیشتر می‌شود. بدین‌ترتیب، فرضیه سوم مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود، و متغیر مذکور بر این شکاف اثرگذار است. به عبارتی می‌توان با افزایش و تقویت دانش زیست‌محیطی شهروندان و آگاهی آنها از اهمیت زیست محیط به‌عنوان سرمایه ملی، همراهی آنها با نگرش‌های مثبت بوم‌گرایانه و ایجاد رفتارهای مسئولانه در آنها در این حوزه گام برداشت.

### تحلیل رگرسیون چندمتغیری

به کمک رگرسیون چندمتغیره می‌توان رابطه خطی بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته مطالعه کرد. پیش از انجام رگرسیون، پیش‌فرض‌های آن باید رعایت شود. مهم‌ترین پیش‌فرض رگرسیون، خطی بودن روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته است. براساس آنچه مطرح شد، روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته، خطی و توزیع متغیر وابسته، نرمال است؛ علاوه‌براین، برای سنجش مستقل بودن همبستگی باقیمانده‌ها، از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. مقدار آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد باقیمانده‌ها با یکدیگر همبستگی ندارند.

جدول ۷. رگرسیون چندمتغیری برای تبیین رفتارهای زیست‌محیطی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	مقدار آزمون (F)	معناداری	دوربین واتسون
۰/۳۷۱	۰/۱۳۷	۱۶/۱۳	۰/۰۰۰	۲/۰۴۱

براساس آزمون رگرسیون چندمتغیره، ضریب همبستگی نگرش با رفتار زیست‌محیطی با ترکیب خطی متغیرهای هنجارهای اجتماعی، امکانات و دانش زیست‌محیطی ۰/۳۷ و نسبتی از واریانس متغیر وابسته که با مشارکت نسبی متغیرهای مستقل به دست آمده، ۰/۱۳ است؛ یعنی ۰/۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته با متغیرهای مستقل معنادار مدل و بقیه با عواملی خارج از مدل تبیین می‌شود. نسبت F بیانگر آن است که رگرسیون متغیر وابسته بر متغیرهای هنجارهای اجتماعی، امکانات (فرصت) و دانش زیست‌محیطی به لحاظ آماری معنادار است.

### تحلیل مسیر

برای تعیین میزان تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از تحلیل مسیر استفاده شده است. جدول ۸ آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۸. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

کل	ضرایب تأثیر		نام متغیر
	غیرمستقیم	مستقیم	
۰/۹۴۱	۰/۸۵۱	۰/۰۹۹	نگرش زیست‌محیطی
۰/۳۵۷	-	۰/۳۵۷	هنجارهای اجتماعی
۰/۲۶۷	-	۰/۲۶۷	امکانات و فرصت
۰/۰۹۸	-	۰/۰۹۸	دانش زیست‌محیطی

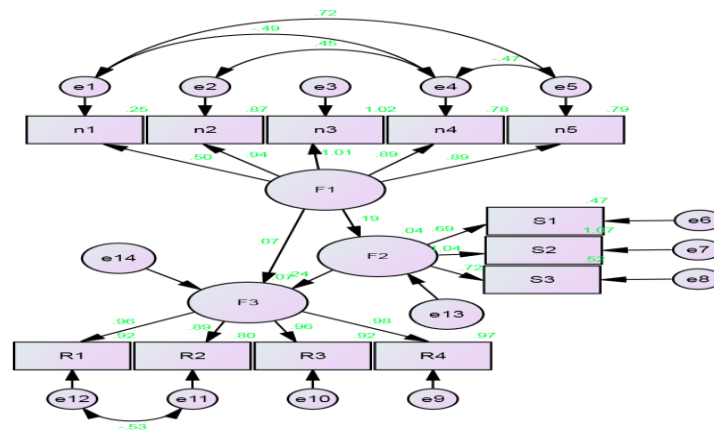
جدول ۸ نشان می‌دهد متغیر نگرش زیست‌محیطی با ضریب تأثیر مستقیم ۰/۰۹۹ درصد، تأثیر غیرمستقیم ۰/۸۵۱ و اثرگذاری کل ۰/۹۴۱، در مقایسه با سایر متغیرها، دارای بیشترین تأثیر بر رفتارهای زیست‌محیطی است.

### معادلات ساختاری با کاربرد آموس<sup>۱</sup>

شکل ۱ تصویر کلی عوامل ساختاری مؤثر بر شکاف بین نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولان شهر کرمانشاه را نشان می‌دهد. در این شکل، نگرش زیست‌محیطی<sup>۲</sup> به عنوان

1. Amos  
2. FI

متغیر مستقل به ترتیب با ابعاد پنج‌گانه<sup>۱</sup> بحران زیست‌محیطی، محدودیت رشد، تعادل طبیعت، انسان‌محوری و طبیعت‌محوری است. عوامل ساختاری<sup>۲</sup> با ابعاد سه‌گانه<sup>۳</sup> دانش، امکانات و هنجار، متغیر واسطه‌ای و رفتار زیست‌محیطی<sup>۴</sup> با ابعاد چهارگانه<sup>۵</sup> استفاده از وسایل استاندارد، مصرف انرژی، بازیافت و حمایت از منابع طبیعی، متغیر وابسته است. یافته‌ها بیانگر آن است که متغیرهای واسطه‌ای - که با عنوان عوامل ساختاری بررسی شدند - ممکن است بر میزان شکاف بین نگرش و رفتار مؤثر باشند. مقدار مربع خبی دو در مدل نشان می‌دهد بین ماتریس واریانس نمونه‌ای و مشاهده‌شده تفاوتی وجود ندارد و شاخص‌های برازش مدل ( $\chi^2 = 102/4$ ,  $df = 46$ ) square -  $NFI = 0/98$ ,  $CFI = 0/99$ ,  $TLI = 0/98$ ,  $GFI = 0/96$ ,  $RMSEA = 0/05$ ) نشان‌دهنده برازش نسبتاً مناسب مدل هستند. همه شاخص‌های تطبیقی نیز مقادیری نزدیک به محدوده پذیرش را نشان می‌دهند که به معنای توان نسبی مدل برای فاصله‌گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع‌شده بر مبنای معیارهای تعریف‌شده برای آن‌هاست. با توجه به درجه آزادی، مدل فرامشخص است.



شکل ۱. مدل نهایی برازش‌شده بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی عوامل مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی

GFI=.96, RMSEA=.05, Chi-square = 102, df = 46, NFI=.98, CFI=.99, TLI=.98,

- |             |  |
|-------------|--|
| ۱. n1 تا n5 |  |
| ۲. F2       |  |
| ۳. s1 تا s3 |  |
| ۴. F3       |  |
| ۵. R4 تا R1 |  |

## نتیجه‌گیری

بحران محیط زیست، یکی از گرفتاری‌های مهم جهانی به‌شمار می‌آید. مواجهه با این بحران به معنای تلاش جمعی، نیازمند ایجاد نگرش‌های محیط‌زیست‌گرایانه در مردم است (ملکی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۷۶). یکی از حوزه‌های پژوهشی که در جامعه‌شناسی محیط‌زیست مطالعات زیادی داشته، شکاف بین نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی است. جامعه‌شناسان محیط زیست تلاش می‌کنند تا عوامل مؤثر بر گرایش انسان در حفظ محیط زیست را شناسایی کنند؛ زیرا با شناخت این عوامل می‌توان راه‌حلهایی برای تغییر رفتار مخرب و تشویق رفتارهای مثبت محیطی ارائه داد. مطابق یافته‌ها، پاسخگویان نگرش مثبت به محیط زیست دارند و سطح رفتارهای زیست‌محیطی‌شان نیز متوسط است، اما میانگین‌ها حکایت از وجود شکاف و فاصله بین آن‌ها دارد. تقریباً سه‌چهارم از پاسخگویان، میزان الزام‌های اجتماعی، وجود امکانات و فرصت‌های مساعد برای کنش محیط‌گرایانه را متوسط و پایین می‌دانند. همچنین دانش زیست‌محیطی پاسخگویان اندک است. تحلیل‌های آماری نیز بیانگر پذیرش این سه فرضیه هستند. پس با تقویت فشار‌های اجتماعی می‌توان نگرش‌های مثبت را به رفتارهای مسئولانه منتج ساخت.

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند شهروندان همواره به محیط زیست نگرش طبیعت‌محور یا مثبت دارند، اما به دلایلی رفتارهای زیست‌محیطی آن‌ها در خانه یا خارج از آن و در تعامل با طبیعت، کمتر مسئولانه است. به این دلیل باید متغیرهایی را شناسایی کرد که از طریق آن‌ها نگرش به رفتار ختم شود و شکاف بین این دو کاهش یابد. براساس تحلیل‌های انجام‌شده، الزام‌های هنجاری و امکانات حمایتی به کاهش این شکاف کمک می‌کنند. اگر افراد بپذیرند که جامعه رفتارهای آن‌ها را در کنترل اجتماعی خود دارد، تلاش می‌کنند درباره محیط زیست احساس مسئولیت کنند؛ بنابراین، هنجارهای اجتماعی در شکل‌گیری نیت‌های رفتاری مؤثرند. پژوهش‌های پیشین برای تبیین کاهش فشار بین نگرش و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی نظیر فعالیت‌های حفاظت محیط زیست (فیلدینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) و مصرف غذاهای ارگانیک (آیدین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)، بیانگر تأثیر هنجارهای اجتماعی در کاهش این شکاف هستند؛ به‌علاوه، این هنجارها اثر غیرمستقیمی بر نیت رفتاری دارند؛ زیرا نگرش را پیش‌بینی می‌کنند.

اولاندر و توچرسون (۱۹۹۵) ابراز داشتند که فرد به فرصت‌هایی نیاز دارد که بتواند از محیط زیست حمایت کند. آن‌ها فرصت را پیش‌شرط عینی رفتار می‌دانند. در این پژوهش مشاهده شد که هرچه امکانات برای کنش زیست‌محیطی فراهم و دردسترس باشد، شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی کاهش می‌یابد. فرصت‌های حمایت، زمینه را برای بروز رفتارهای حامی محیط زیست فراهم می‌کنند؛ مانند وجود سطل زباله با حجم مناسب و به تعداد کافی در سطح شهر، وجود سیستم حمل‌ونقل مناسب و برخوردار از امکانات سرمایشی و گرمایشی، صندلی‌های مناسب و... یکی دیگر از فرصت‌های حمایت، فراهم‌ساختن فضا برای ابراز هویت افراد در قالب سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی است که هم نقش آگاه‌سازی عمومی از مسائل محیط‌زیستی را بر عهده دارند و هم به‌نوعی ناظر بر عملکرد دولت در امور مربوط به محیط زیست‌اند.

درنهایت، باید به آخرین فرضیه پژوهش اشاره کرد که براساس آن، هرچه سطح دانش زیست‌محیطی افراد پایین‌تر باشد، شکاف بین نگرش و رفتار زیست‌محیطی بیشتر است. در این زمینه ضرورت دارد که اقدامات همه‌جانبه و فراگیر در جهت افزایش دانش زیست‌محیطی جامعه صورت گیرد. این اقدامات باید از نهاد خانواده آغاز و هم‌زمان در نهاد آموزش و رسانه‌ها تقویت شوند. حفاظت از محیط زیست یا بی‌توجهی به آن، کنشی اجتماعی است که با سازوکار اجتماعی‌شدن همراه است و از طریق تعمیم، تقلید و همانندسازی که بسیار مهم‌اند، ابتدا در خانواده اتفاق می‌افتد. رسانه‌های جمعی نیز در کنار خانواده و آموزش و پرورش، نقشی کلیدی در بیان اهمیت مسائل زیست‌محیطی و آموزش به مردم دارند. در حال حاضر، مهم‌ترین منبع کسب اخبار زیست‌محیطی در ایران، تلویزیون و سپس رادیو است؛ بنابراین، از طریق این دو رسانه می‌توان مسائل محیط زیست را مطرح ساخت. در کنار رسانه‌ها، گروه‌های حامی و طرفدار محیط زیست در جلب افکار عمومی و بیان مشکلات محیط زیست نقش مهمی ایفا می‌کنند.

## منابع

- زندحسامی، حسام و پروینچی، شیما (۱۳۹۳)، «به‌کارگیری نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در بررسی قصد خرید سبز مصرف‌کنندگان»، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۸: ۲۳-۳۰.

- صالحی، صادق و امام قلی، لقمان (۱۳۹۱)، «سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کرستان)»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۸: ۹۱-۱۱۷.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳)، «تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد محیط زیست دانشجویان»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲: ۷۷-۸۱.
- صالحی، صادق و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۹۱)، «بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵: ۲۱۰-۲۵۲.
- فاضلی، محمد و جعفرصالحی، سحر (۱۳۹۲)، «شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی گردشگران»، مطالعات مدیریت گردشگری، ۲۲: ۱۳۷-۱۶۱.
- فرهمند، مهناز و شکوهی‌فرد، کاوه و سیارخلج، حامد (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۰: ۱-۲۱.
- کریمی، لیلا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: مصرف آب)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- محمدیان، محمود و ختانی، امیر (۱۳۹۰)، «رابطه میان عوامل روانی، اجتماعی و رفتار مصرف‌کننده سبز»، مدیریت بازرگانی، ۷: ۱۴۴-۱۶۰.
- ملکی، امیر و علی‌پور، پروین (۱۳۹۳)، «سنجش عوامل مؤثر محیط‌زیست‌گرایی زنان ایرانی»، زن در توسعه، ۴: ۵۷۶-۵۹۲.
- Arcury, T. A. (1990), "Environmental Attitude and Environmental Knowledge", **Society for Applied Anthropology**, No 49(4): 300-304.
- Aydin, N. (2010), "Subjective well-being and sustainable consumption", **The International Journal of Environmental, Cultural, Economic & Social**, No 6(5): 1-20.
- Barr, S. (2003), "Strategies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behaviour", **Area**, No 35(3): 227-240.
- Bloom, J. W., & Trumbell, D. (2007), "Evaluation of Environmental Attitudes: Analysis and Results of a Scale Applied to University Student", **Journal of University of Zaragoza**, No 91(6): 988-1009.
- Dunlap, R. E., & Van Liere, K. D. (1978), "The new environmental paradigm: A proposed measuring instrument and preliminary results", **Journal of Environmental Education**, No 9: 10-19.
- Dunlap, R. E., k. D. Van Liere, A. G. Merting, & R. E. Jones (2000), "Measuring endorsement of the new ecological paradigm: A revised NEP scale", **Journal of Social Issues**, No 56(3): 425-42.
- Fielding, K.S, McDonald, R & Louis, W. R. (2008), "Theory of planned behavior, identity and intentions to engage in environmental activism", **Environmental Psychology**, No 28(4): 18-326.
- Kollmuss, A. & Agyeman J. (2002), "Minding the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro- environmental behavior?", **Journal of environmental education research**, No 8(3): 240-262.
- Stern, P. (2000), "Toward a coherent theory of environmentally significant behavior", **Journal of Social Issue**, No 56(3): 407-424.